

## جلوه‌های ناتورالیسم در رمان سفر محمود دولت‌آبادی

امید روستا\*

### چکیده

محمود دولت‌آبادی یکی از بزرگترین نویسندگان رمان در عصر حاضر می‌باشد که در حوزه رنالیسم انتقادی و نگاه اجتماعی آثار مهمی را در حوزه ادبیات اقلیمی خلق نموده است. در این مقاله رمان سفر به عنوان اثری که حاصل تحولات دوره گذارست و نویسنده با انتخاب زندگی یک خانواده معمولی حاشیه شهری ابعاد تراژیک این طبقه اجتماعی را در اثر آن تحولات ترسیم می‌کند، انتخاب شده تا بتوان جلوه‌هایی از مکتب ادبی ناتورالیسم را با ژرف نگری از لا به لای آن استخراج نمود و به این نتیجه رسید که نویسنده بزرگی چون دولت‌آبادی تا چه حد توانسته برجستگی‌های مکتب ناتورالیسم در رمان فوق‌الذکر را ارائه نماید و از این دریچه بتوان به جهان بینی و شیوه نگارش این نویسنده توانا پی برد.

**کلمات کلیدی:** ادبیات داستانی ایران، محمود دولت‌آبادی، رمان سفر، مکتب ناتورالیسم.

### مقدمه

ادبیات فارسی در طول تاریخ دو مقوله را با خود به همراه داشته است که عبارتند از: نظم و نثر. نثر در ادبیات فارسی انواع گوناگونی را به دنبال خود دارد که می‌توان از ادبیات داستانی، ادبیات عرفانی و ادبیات نمایشی بعنوان مهمترین اقسام آن نام برد.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران جنوب Omidroosta. ۷۲۲@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۱



نثر فارسی را می‌توان به داستان، قصه، رمان و نمایشنامه تقسیم کرد. مبحث اصلی این مقاله بر محور رمان می‌گردد، محمود دولت‌آبادی آثار متنوعی دارد که رمان سفر در این مقاله بررسی می‌شود و سعی بر این است که جلوه‌های مکتب ناتورالیسم بعنوان یکی از سبک‌های ادبی مورد استفاده در زمینه رمان با ژرف نگری در این اثر استخراج شود تا بتوان به نوعی نگرش نویسنده فوق‌الذکر به این مکتب ادبی پرداخت.

### پیشینه تحقیق

از آنجا که محمود دولت‌آبادی یکی از نویسندگان برجسته نثر معاصر فارسی در زمینه رمان است، بی‌شک کارهایی با این مضمون در آثارش از جمله در رمان کلیدرانجام شده است ولی کاری که به صورت جداگانه به بررسی مکتب ناتورالیسم در رمان سفر او پرداخته باشد، یافت نگردید. همین عامل انگیزه‌های را در نویسنده این مقاله ایجاد نمود تا با نگارش این مقاله بتواند جنبه‌های نا شناخته رمان سفر دولت‌آبادی را در اختیار مخاطبان قرار دهد.

### روش تحقیق

این تحقیق به صورت کتابخان‌های و توصیفی انجام می‌گیرد.

### کلّیات تحقیق:

- ۱- ادبیات داستانی ایران
- ۲- محمود دولت‌آبادی و آثار او
- ۳- رمان سفر و خلاصه آن
- ۴- مکتب ناتورالیسم و مشخصات آن

### ۱- ادبیات داستانی ایران

منظور از ادبیات داستانی، ادبیاتی است که به بررسی قصه، داستان و رمان می‌پردازد.



داستان نویسی در ایران سابق‌های بس طولانی دارد و آثار نظم و نثر کهن فارسی سرشار از داستان‌ها و قصه‌ها است، چون داستان‌های شاهنامه، گرشاسب نامه اسدی طوسی، مثنوی مولوی، بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه، مرزبان نامه و....، اما داستان نویسی به سبک نویسندگان مغرب زمین از اواسط دوران قاجار که ترجمه کتاب‌های خارجی به زبان فارسی رواج یافت، فزاینده‌تر می‌شود. تاریخ پیدایش رمان به تاریخ تحولات اجتماعی عصر رنسانس باز می‌گردد. بنابراین پیدایش نوع ادبی رمان تحت تأثیر شرایط اجتماعی خاصی صورت گرفته و سپس خود جامعه نیز از رمان و اندیشه‌های رمان نویسان متأثر شده است. در واقع رمان با آفرینش ایده‌ها و ارزش‌های نوین، باعث تغییراتی در جامعه اروپایی پس از رنسانس شد. بهترین نمونه این رابطه متقابل میان جامعه و رمان را در «دون کیشوت» اثر سروانتسل می‌توان یافت. (کوندرا ۱۳۷۲: ۴۳)

داستان نوین فارسی (رمان و داستان کوتاه) پدیده هنری بدیعی بود که اندکی پس از آن انقلاب مشروطیت در ادبیات ایران ظاهر شد و خصوصیات و کیفیتهایی داشت که آن را به کلی از داستان سنتی گذشته (قصه کوتاه و بلند) متمایز می‌کرد، این تمایز هم از نظر ساختار بود و هم از نظر معنا. از نظر ساختاری به ویژگی‌های فنی خاصی توجه داشت که آن را از انواع قصه‌ها جدا می‌کرد و از نظر معنایی نیز به وقایع روزمره و محور عینی و محسوس و خصوصیت روانشناسی و انسان‌گرایی روی آورد و گروه‌ها و طبقه‌های مختلف مردم ایران را به هم شناساند و از اوضاع و احوال یکدیگر با خبر کرد و به افشاگری نابسامانی‌های جامعه و خود کامی‌های حاکمان پرداخت.

به دنبال انقلاب مشروطه و نفوذ فرهنگ غربی، داستان نویسی به صورت رایج کشورهای غربی به ایران نیز راه یافت و بر جای ادبیات داستانی سنتی که تأثیر واهمیت خود را بر اثر تحولات اجتماعی از دست داده بود، قرار گرفت: چون با اوضاع و احوال جدید جامعه‌ی ایران هماهنگی و همخوانی داشت و تلاش و درگیری انسان امروز را به تصویر می‌کشید و در ضمن حامی مردمان ستم دیده، محروم و زیر دست بود، پذیرش و مقبولیتی عام یافت و بعنوان هنری زنده و مؤثر، جا و مقام خود را به تدریج در ادبیات فارسی استوار کرد. در این میان مکتب ناتورالیسم بعنوان یکی از مکاتب داستان و رمان نویسی مورد توجه نویسندگان ایرانی واقع شد. مکتبی که امیل زولا و طرفدارانش آن را پایه‌گذاری کردند و کوشیدند تا روش تجربی و حیر علمی را در ادبیات رواج دهند و به



ادبیات و هنر جنبه علمی بدهند. به پیروی از نویسندگان ناتورالیست غربی کسانی چون صادق هدایت، صادق چوبک، محمود دولت‌آبادی اقدام به آفرینش آثاری به این سبک و سیاق کردند: اگر چه بطور تمام و کمال پیرو مکتب ناتورالیسم غربی نبودند. از مشروطه به این سو به دلایل متعدّد چون رواج دیوان سالاری، ورود مظاهر فرهنگ و تمدن غرب، گسترش شهرنشینی و... مسائل فراوانی در جامعه ایران به وجود آمد. رمان فارسی به انعکاس این مسائل و مشکلات و گاهی با ارائه راه‌حلهایی برای آن‌ها پرداخته است که «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» «یکی بود یکی نبود جمalzاده» و «تهران مخوف مشفق کاظمی» مهمترین داستان کوتاه و رمانهایی هستند که به توصیف واقع‌گرایانه زندگی و اجتماع این دوره پرداخته‌اند.

محمود دولت‌آبادی یکی از نویسندگانی است که آثار مهمی را در ادبیات اقلیمی خلق نموده و مسئله مدرنیسم و تأثیر آن بر زندگی مردم و تأثیر اصلاحات ارضی بر زندگی روستائیان را با بینش هنری بالا بیان کرده است.

### محمود دولت‌آبادی و آثار او

«محمود دولت‌آبادی نویسنده نمایشنامه نویس و فیلمنامه نویس معروف معاصر، در سل ۱۳۱۹ در دولت‌آباد بیهقی (سبزوار) متولد شد و در خانواده‌های روستایی که از راه کشاورزی و زمین‌داری روزگار می‌گذراند، بزرگ شد. کودکی وی در روستا سپری شد و تأثیر اینگونه زندگی باعث شد تا «رمان روستایی» توسط او به اوج شکوفایی برسد. دولت‌آبادی برای تحصیل به دولت‌آباد رفت و همزمان به کارهای گوناگونی از جمله کفّاشی، سلمانی و کارگری در کارخانه پرداخت او در بیست سالگی به تهران مهاجرت کرد و برای عملی کردن دغدغه‌های اصلی ذهنش به کار نوشتن و بازی در تئاتر مشغول شد و از راه کارگری در چاپخانه نیز امرار معاش می‌کرد. ذوق او به نوشتن باعث شد تا نویسنده‌گی را قبل از مهاجرت به تهران تجربه کند اما نخستین داستانش به نام «نه شب» در سال ۱۳۴۱ در مجله‌های در تهران چاپ شد. از آن پس کارنوشتن را به صورت جدی و با پشتکار فراوان ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ داستانهایش در نشریات ادبی و به صورت کتاب به چاپ رسید و برای وی شهرت زیادی را در پی داشت نثر دولت‌آبادی در اوج جذابیت و زیبایی است.



نثری زنده، جذاب، تأثیر گذار و با قدرت انتقالی شگفت که گویی خواننده تمام شخصیت‌ها و مناظر و پدیده‌های طبیعت را که او توصیف می‌کند، به چشم می‌بیند. مهارت دولت‌آبادی در توصیف اندام، چهره و حالات روحی قهرمانانش چنان است که تا مدت‌ها پس از مطالعه داستان، سیمای یک یک آن‌ها در ذهن خواننده می‌ماند این قهرمان، کردان کوچنده به روستاهای خراسان و چادر نشینانی ایلپاتی اند که با گله داری و کشاورزی روزگار می‌گذرانند. در نثر دولت‌آبادی واژگان محلی (کردی و خراسانی) نیز در کنار واژه‌های امروزی آورده شده‌اند و این موضوع بدون اینکه نقصی در معنی متن ایجاد می‌کند، به شیرینی و زیبایی زبان نثر او می‌افزاید. دولت‌آبادی با رویکردی تازه به مسائل روستایی، تصویری هنرمندانه از روستائینان ایرانی در یک مرحله‌ی گذار پدید می‌آورد. ارزش‌های اجتماعی و ادبی آثارش سهم قابل توجهی در تکامل رمان ایرانی ایفا می‌کنند. مهمترین اثر او، رمان بلند ده جلدی «کلیدار» است و نزدیک به سه هزار صفحه می‌باشد و به منزله آینه‌های است که حقیقت زندگی روستائینان خراسان را نشان می‌دهد.» (میر عابدینی، ۵۵۰، ۱۳۸۳: ۵۵۱)

آثار محمود دولت‌آبادی به چند نوع قابل تقسیم هستند که عبارتند از:

الف- مجموعه داستان لایه‌های بیابانی: ادبار، پای گلدسته‌آمازاده، هجرت سلیمان، سایه‌های خسته و بیابانی.

ب- مجموعه داستان و نمایشنامه کارنامه‌ی سپنج در سه جلد

ج- رمان‌ها: سفر، آوسنه بابا سبحان، گاواره بان، جای خالی سلوچ، عقیل-عقیل، ازخم چنبر، کلیدار، روزگار سپری شده مردم سالخورده، اتوبوس، سلوک، آن مادیان سرخ یال، طریق سبمل شدن، زوال کلنل،

د- نمایشنامه‌ها: تنگنا، با شیر و ققنوس

ه- مجموعه مقالات: ناگزیری و گزینش هنرمند، موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی

و- سفر نامه: دیدار بلوچ

ز- سایر آثار: هجرت سلیمان، مرد، آهوی بخت من گزل، روز و شب یوسف، گفت و گزار سپنج، نون نوشتن، م و آن، دیگران، ته شب.



### رمان سفر و خلاصه آن

کتاب رمان سفر اثر محمود دولت‌آبادی است که در سال ۱۳۴۵ توسط وی نوشته شد که چاپ نخست آن در سال ۱۳۴۷ بود و در سال ۱۳۵۲ بازنویسی آن انجام گرفت. این اثر اگر چه در ظاهر شاید به دلیل اینکه جزو نخستین آثار دولت‌آبادی می‌باشد، کم‌اهمیت بنظر برسد ولی به لحاظ محتوایی اثری خوب محسوب می‌گردد. سفر، داستان یک گره، یک بن بست است. داستان با یک بحران آغاز می‌شود: از بیکار شدن مختار و طلیعه دنیای جدید و ورود ماشین که این رفتاری‌ها را آغاز کرده است. «محور اصلی رمان سفر تقابل بین آوارگی و خانه است. مختار در جستجوی کار راهی کویت می‌شود اما ماها بعد معلول و درهم شکسته باز می‌گردد، بی آنکه روی رفتن به خانه را داشته باشد. مرحب که پس از مختار وارد زندگی همسر او شده، وقتی شخصیت می‌یابد که به خانه‌ی مطلوبش می‌رسد» (میر عابدینی، ۱۳۸۳: ۵۵۵)

مهمترین شخصیت‌های رمان سفر عبارتند از: مختار، خاتون، مرحب، خاور، مادر خاتون و استاد صفی آهنگر.

### خلاصه‌ی رمان سفر

رمان سفر زندگی مردی را به تصویر می‌کشد که برای فرار از فقر بیکاری زندگیش را فنا می‌کند. رمان حول محور چند شخصیت اساسی مختار، خاتون، مرحب و شخصیت‌های کم رنگتدی چون علی، خاور و میسر می‌چرخد. مختار مردی چهل ساله که در کارگاه آهنگری برای سالیان طولانی شاگردی کرده بود. استاد آهنگری استاد صفی دیگر تمایلی برای کار در آهنگری نداشت. کارگاه‌های آهنگری از رونق افتاده بودند. مختار به دلیل تغییر شغل صاحب کار، از کار اخراج می‌شود. وی که سنش بالاست و هیچ مهارتی هم نداشتند، بر آن می‌شود تا زنش خاتون و همین‌طور دختر کوچکش خاور را به دست مادر زنش بسپارد و خود به منظور یافتن کار راهی کویت شود چند ماهی سپری می‌شود و از مختار خبری نمی‌رسد. خانواده مختار با مشکلات مالی فراوانی مواجه شده‌اند در این میان سرو کله جوانی مرحب نام که شغلش کارگری است و مدام در سفر است و شخصیت دمدمی مزاجی دارد. پیدا می‌شود. اما از کجا و پی چه آمده بود؟ از هر شغلی



تجرب‌های داشت ولی هیچ‌جا ماندنی نبود. مرحب جوان بی‌نام و نشان تازه به شهر آمده بود. در قهوه‌خانه مشیر در شهر مختار (شهر ری) با علی، جوانکی کم‌حرف، آشنا شد. مرحب توانسته بود علی کم‌حرف را به حرف آورد. دوستان خوبی برای هم شده بودند. پدر علی به علت ساعات طولانی کار در معدن به شدت بیمار شده بود و مدام سرفه می‌کرد و به دلیل همین وضع بود که علی به قهوه‌خانه پناه آورده بودمدتی از آشنایی آن‌ها گذشت. مرحب دو چرخ‌های خریدی بود و با علی هر روز به کارخانه می‌رفتند و روزهای تعطیل پی‌شرب و خوشگذرانی بودند. مدتی بود که مرحب رفتارش عوض شده بود و چشم به مسیر راه آهن داشت که هر روز از این مسیر زنی به نام خاتون می‌گذشت و به خان‌های که تک و دور افتاده در حلبی آبادها و در مسیر راه آهن بود. می‌رفت. مرحب خیلی زود دل‌باخته خاتون (زن مختار) می‌شود. مرحب هر روز در اطراف خانه خاتون که در نزدیک ایستگاه راه آهن ساخته شده پرسه می‌زند. علی می‌دانست مرحب مثل همیشه شاداب نیست و گویا عاشق شده است. روزها سپری می‌شد تا اینکه گشتی که در پاسگاه حوالی خانه خاتون ژاندارم بود، شبی دیر هنگام نام‌های برای خاتون آورده بود. مختار قرار بود نامه‌هایش را به آدرس پاسگاه بفرستد ولی از ۲۱۴ روز پیش تا کنون هیچ نام‌های نفرستاده بود. نامه باخط و نوشته مختار نبود بلکه خبر غرق شدنش در دریا بود. آن شب تا صبح در خانه خاتون شیون وزاری بر پا بود. بعد از مدت‌ها انتظار فضای شب غم‌آلوده تر و سنگین تر از همیشه بود و سایه‌ی فقر و بدبختی سیاه تراز هر زمان بر خانه حکمفرما شده بود. مدتی بر همین منوال گذشت تا عاقبت خبر مرگ مختار فرصتی را به مرد جوان (مرحب) می‌دهد تا خود را به خاتون که خیلی‌ها به او سوء‌الظن دارند، نزدیک کند. سرانجام وقتی مرحب موفق به حرف زدن با خاتون می‌شود و مرحب قصه چند ماه از دور پایدن رفتار خاتون را برای او تعریف کند. بعد از آن غم بزرگ دل خاتون روشن شد و عشق مرحب را پذیرفت. کار فرمای مرحب از این راز آگاه می‌شود و او را از کار اخراج می‌کند. وقتی مرحب می‌بیند که شغل و درآمدی ندارد بر آن می‌شود تا از خاتون صرف‌نظر کند زیرا توانایی تأمین مایحتاج منزل خاتون را ندارد و می‌خواهد آن منطقه را ترک کند. چند شبی بود که مرحب نیامده بود تا اینکه شبی با بغچه‌ای در دست وارد خانه شد، غافل از اینکه مردی از دوردست با چوب‌های زیر بغل روی ریل قطار خانه را نگاه می‌کند. این مرد مختار بود.



مختار در حالی که پایش را از دست داده بود و با حالتی زار و مجنون باز می‌گردد. او که احساس می‌کند با این وضعیت روی بازگشت به خانه را ندارد، خود را آفتابی نمی‌کند و فقط در زیر پلی که مجاور خانه اوست به خانه اش نگاه می‌کند و از تغییراتی که رخ داده از جمله خرابی اصطبل‌ها موقتاً به تشخیصی خانه نمی‌شود و عصری که مرحب می‌رود تا از خاتون خداحافظی کند، مختار دید که فرد غریب‌های وارد خانه اش شده و بعد که مرحب از خانه بیرون آمد، با مختار روبرو شد و مختار صدایش کرد ولی مرحب اعتنایی نکرد و به قهوه خانه مشیر رفت و در همین حین مختار هم به قهوه خانه آمد و می‌گفت مردی غریبه از خانه اش بیرون آمده است. مختار توان رفتن به خانه را نداشت و خجالت می‌کشید. مرحب که داستان مختار را فهمیده بود، دچار عذاب وجدان شد و تصمیم گرفت به هر نحوی مراعات حال مختار را بکند تا جایی که پالتویش را به او می‌بخشد. مرحب بی صبرانه منتظر رسیدن قطارست تا خود را از این وضعیت رهایی بخشد و صاحب قهوه خانه می‌گفت که نحسی مختار برکت را از قهوه خانه اش برده است. وقتی قطار می‌رسد مختار خودش را زیر قطار انداخته خودکشی می‌کند. مرحب پاهایش را به زمین چسبانده بود و با چشمانش خان‌های بی نور را نگاه می‌کرد که در دور دست‌ها در کنار ریل یگه تن‌ها بود. (دولت‌آبادی: ۱۴۰، ۱۳۸۳-۱)

### مکتب نا تورالیسم و ویژگی‌های آن

«مکتب ادبی نا تورالیسم در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی در فرانسه توسط امیل زولا، رمان نویس فرانسوی، بنیان گذاری شد و سپس دامنه نفوذ آن به برخی کشورهای اروپایی و آمریکا کشیده شد. این مکتب در پایان امپراتوری دوم در فرانسه با الهام گرفتن از نظرات فلسفی- ادبی (هیپولیت تن) منتغم معروف فرانسوی و تاثیر ریشه‌ی دارتر، کارهای بزرگ فیزیولوژیست‌ها و پزشکان و طب تجربی «کلودبرنارد» به وجود آمد. تأثیر پذیری عمده این مکتب از نظر شکل ظاهر از نظریه‌های بیولوژیکی «داروین» و همچنین کاربرد عقاید فلسفی «آگوست کنت» در مطالعات اجتماعی و استعمال عقاید تن در نظریه‌های جبر علمی در ادبیات است. اعتقاد ناتورالیسم‌ها این است که انسان تمایل به عینیت دارد و رفتار او مانند کار یک ماشین به شمار





می‌رود و درباره آن مثل یک ماشین قضاوت اخلاقی ناممکن می‌شود. اصطلاح ناتورالیسم برای اولین بار در قرن هفدهم به ویژه در آثار نقاشی بکار رفت و بر این اساس آکادمی هنرهای زیبای فرانسه عقیده‌های که تقلید از طبیعت را در هر چیزی ضروری می‌شمرد را ناتورالیستی می‌نامید. بعد از آن اصطلاح ناتورالیسم در فلسفه باب شد و به کسانی که طبیعت را به عنوان اصل اولیه قبول داشتند. ناتورالیست اطلاق می‌شد. واژه ناتورالیسم به مرور مفهوم قیاسی به خود گرفت، بطوریکه به قول «ویکتور هوگو» به کوشش نویسندگانی اطلاق می‌شود که با مسائل اجتماعی همان رفتاری را می‌کند که دانشمند علوم طبیعی با جانورشناسی یا مقوله‌های علمی انجام می‌دهد و این اصطلاح در ردیف واژه‌های چون دانشمند و تجربه‌کننده قرار گرفت. بودلر در سال ۱۸۴۸ م بالزاک را دانشمند مشاهده‌گر و ناتورالیست می‌خواند. ناتورالیسم یا طبیعت‌گرایی رخنه در روندهای ماهوی و عمقی واقعیت را وظیفه خود نمی‌شناسد بلکه کافی می‌ناند که خلاقیت هنری به کپی کردن اشیاء و پدیده‌های تصادفی و انفرادی واقعیت پردازد. امیل زولا نظریات تئوریک خود را در آثاری مانند رمان تجربی و طبیعت‌گرایی در نمایش، بیان کرده است. خلاصه این تئوری آن است که پدیده‌های زیستی (بیولوژیک) و اجتماعی دارای یکسانی و این همانی است و هنر از سیاست و اخلاق مستقل است. «۱- در واقع آنچه در اواخر قرن نوزدهم به‌ننوان نهضت ادبی ناتورالیسم در اروپا پدید آمد، محصول ناتورالیسم فلسفی است. این اصطلاح در فلسفه قدیم به معنایی به کار می‌رفت که ماده‌گرایی، لذت‌جویی و هر گونه دین‌گریزی را در بحر می‌گرفت. در فلسفه‌ی متأخرتر «نظام فکری کسانی است که همه علت‌های غایی را در طبیعت می‌یابند» (فورست واسکرین، ۱۱:۱۳۷۶) بر اساس نظریه‌های امیل زولا سرنوشت انسان تحت تأثیر دو عامل محیط و وراثت قرار می‌گیرد. (شمسیا، ۹۹:۱۳۹۴) آنچه در آثار نویسندگان ناتورالیست با نوعی ناامیدی طنز آلود و شعر سیاه‌ناشی از جبر زمانه شکل می‌گیرد، تاثیری که فلسفه‌ی «آرتور شوپنهاور» (پدر بدبینی بورژوازی) بر این طیف از نویسندگان باقی گذاشته است. «امیل زولا در نظریات خود خواهان ورود علوم طبیعی به ادبیات است: زیرا قرن نوزدهم را قرن علم می‌داند، بنابراین تحت تاثیر آثار علمی روزگارش سعی می‌کند با مشاهده و پرداختن به جزئیات، قوانین روش علمی که «کلود برنارد» پیروی از آن‌ها را در آثار خود ادعا می‌کرد، دنبال کند.» (تروبا، ۴۲:۱۳۷۷) «زولا عقاید خود



را دربارهٔ ناتورالیسم و رمان ناتورالیستی با این تعریف که رمان عبارت از گزارش نامهی تجارب و آزمایش‌های است، بیان می‌دارد: به این ترتیب اومعتقد است که نویسنده باید تخیل را به کلی کنار بگذارد: زیرا همانطور که سابقاً می‌گفتند فلان نویسنده دارای تخیل قوی است از این پس باید گفته شود که دارای حس واقع بینی است. چنین تعریفی درباره‌ی نویسنده بزرگتر و درست تر خواهد بود» (سید حسینی، ۱۳۸۱: ۳۹۸) طبیعت‌گرایان امروزی معمولاً از ستاینندگان نظام موجود بورژوازی هستند. خصلت نمونه وار مکتب و اسلوب آنان فیزیولوژیسم است یعنی گرایش به بیان صریح کلیه فعل و انفعالات جسمانی. جستجوی اشکال متبذل تفریح آور، توجه افراطی به نمایش‌های آمیخته با موسیقی (ملو درامیسم)، توجه به زیبایی ظاهری چشمگیری در زانرهای مختلف، آنچه که ان را «هنر توده‌ها» (pop art) نامیده‌اند. این اسلوب خواه به شکل مستقیم و خواه به شکل غیر مستقیم روح انفعالی در جامعه. احتراز از نبرد اجتماعی، بی تفاوتی نسبت به غم و شادی دیگران و تمایل ویژه به غرایز جانورانه را موعظه می‌کنند و به اسلوب هنری شکل‌گرایی (فرمالیسم) سخت نزدیک است از نظر فلسفی ناتورالیسم به قدرت کامل و محض طبیعت که نظم بی نظیری داشته باشد، می‌گویند و از جهت ادبی، این مکتب تقلید مو به مو و دقیق از طبیعت است. ناتورالیسم پا به پای رئالیسم به وجود آمده است و بزرگترین نمایندهٔ آن یعنی امیل زولا و یارانش سعی دارند به هنر و ادبیات جنبه علمی بدهند به عقیدهٔ زولا نویسنده باید تخیل را کنار بگذارد و دارای حس واقع بینی باشد و مانند یک شیمی دان که دربارهٔ فولاد بی جان کار می‌کند، نویسنده هم باید دربارهٔ صفات و رفتار و عادات افراد و اجتماعات بشری به همان طریق کار کند. امروزه دو مفهوم رئالیسم و ناتورالیسم مانند دو قلوهایی هستند که دو جسم دارند اما در یک نقطه به هم پیوسته‌اند و در یکی از اندام‌ها شریکند. آنچه رئالیسم و ناتورالیسم را به هم پیوند می‌دهد، این اعتقاد بنیادین است که هنر در اصل و بنیان تقلیدی می‌باشد. این اعتقاد ناتورالیست‌ها را بر آن داشت که مضمون خود را از میان زندگی روز مره مردم کوچه و بازار و آنچه در دسترس بود. انتخاب کنند و تا جایی که امکان دارد، غیرفردی بودن رادر تکنیک و محتوا بستایند و از این به بعد ناتورالیسم نوعی گرایش به سوی رئالیسم تقلید گرایانه توصیف شد. مراد از این گفتار اشاره به این واقعیت است که ناتورالیسم می‌خواست با جزئیات دقیق تر و واژگان کوبنده تر به مضامین تکان دهنده بپردازد.



## مشخصات آثار ناتورالیستی

### توجه به علم فیزیولوژی

ناتورالیستی معتقد بودند برای پی بردن به مشخصات روحی و اخلاقی یک شخصیت لازم نیست مستقیماً به بیان ویژگی‌های روحی او پرداخته شود، بلکه آن‌ها سعی می‌کردند با ارائه‌ی مشخصاتی از وضعیت مزاجی شخصیت‌های داستان، نتیجه‌گیری درباره‌ی تشخیص حالات روحی یا خصوصیات اخلاقی قهرمان رابه عهده‌ی خواننده بگذارند زیرا آن‌ها رمان نویس را یک آزمایشگر تجربی می‌دانستند که با فرموله کردن یک سلسله قوانین و تطبیق آن بر ذهن و روح شخصیت‌های داستان می‌خواهد به نتایج مورد نظر دست یابد «زولا در مقدمه ترزراکن می‌نویسد: در ترزراکن مشخصات اخلاقی و روحی اشخاص را تشریح نکردم، بلکه به تشریح وضع مزاجی آن‌ها پرداختم.» (سید حسینی، ۱۳۸۱: ۴۰۷) هرچند این مؤلفه از ناتورالیسم در رمان سفر دولت‌آبادی کمتر دیده می‌شود که آن هم به سبک نویسنده بر می‌گردد، زیرا دولت‌آبادی بدون اینکه به سراغ ارائه‌ی وضع مزاجی شخصیت‌های داستانش برود، مشخصات روحی و اخلاقی آن‌ها را صریحاً به دست می‌دهد. در رمان سفر وضعیت مرحب و خاتون را که در صدد معاشقه برآمده‌اند، اینگونه بیان می‌کند: «خاتون که منتظر رسیدن مرحب است از کنج پنجره بیرون را نگاه کرد و لحظه‌های بعد پشت در آمد. در را باز کرد و بی صدا مرحب را به درون کشاند. توی اتاق رفتند. هر دو برافروخته و مضطرب بودند و همچنین نمی‌توانست این راز دیگری پنهان کند. خاموش بودند اما سعی می‌کردند نفسی بکشند و تپش سینه‌ی خود را آرام سازند» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۷۳)

### سخن گفتن از رشتی‌ها و فجایع

آثار ناتورالیستی صحنه‌هایی را توصیف می‌کند که تا قبل از آن به دلیل حرف حاکم بر جامعه و بخاطر مسائل اخلاقی در پرده بیان می‌شدند نویسنده ناتورالیست چیزی را تحت عنوان «عفت قلم» رعایت نمی‌کند و هر آنچه را که برای تشریح جزئیات یک واقعیت از زندگی لازم بداند، به تصویر می‌کشد. باری نم‌ن در رمان سفر خواننده با چنین صفحه‌هایی مواجه است: در آنجا که بی بی و خاور توی پستو مراغه‌ی مختصری داشتند و بی بی از لابه لای سرفه‌هایش به نوازش فحش



می‌داد: کولی، یه وجبی، بی پدر، بیا سر مرگت را بذار. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۷۹) «یک شب که مرحب دیر می‌کرد. خاتون بی تاب می‌شد و خلق و خوی سگک را پیدا می‌کرد.» (همان: ۸۱) «بی بی به جلو خم شد و فحش داد: تخم حروم ولدالزنا، بیا بگیر سر مرگت را بذار...» (همان: ۸۴)

### شکستن حرمت کاذب کلمات و مفاهیم

«یکی از خدماتی که ناتورالیسم به ادبیات کرد، شکستن حرمت قلبی کلمات و مفاهیم بود، نویسندگان ناتورالیست از این قاعده پیروی کردند و کلماتی که نویسندگان پیش از ایشان از آوردن آن‌ها ابا و کراهت داشتند، در داستانهایشان به کار گرفتند و مناظر و صحنه‌هایی که نویسندگان به اختصار از آن‌ها گذشته بودند یا به کلی از داستانهایشان حذف کرده بودند، با جسارت تحسین بر انگیزی در آثارشان به نمایش گذاشتند.» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۹۸) برای نمونه در رمان سفر جایی که بی بی خطاب به خاور، دختر مختار می‌گوید: «تخم حروم والدالزنا بیابگیر سر مرگت را بذار» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۸۴) «وقتی که مرحب برای استخدام در کارخانه می‌رود یکی از افرادی که ردا شده بود باعصبانیت می‌گوید، خواهرتون را... یدم.» (همان، ۳۰) «بی بی گفت: تف به قبر پدر هرچی آدم بی چشم و رویه.» (همان: ۳۴) «خاتون به مادرش فحش داد و می‌گفت: کی به تو گفته آدم غریبه بیاری خونه من؟ می‌گفت پسر ارباب هست که باشد. به من چه؟ مگه من جنده‌ام؟» (همان: ۶۷)

### مطرح شدن عشق به عنوان یک نیاز جسمانی و جنسیت به عنوان یک تجربه‌ی مشروع

«از این لحاظ می‌توان گفت که ادبیات ناتورالیستی در مجموع انتقاد تاخی از مبانی جامعه است. چون این جامع‌های شور صادقانه‌ی رمانتیسم و روحانیت عمیق مذهب را از دست داده است، کوشش دارد با چنگ و دندان به نوعی اخلاق ایدئالیستی بچسبد و در برابر این سد شکنی‌ها از خود عکس‌العمل نشان دهد. حملات شدید به امیل زولا و طرفدارانش و محاکمه‌ی قلوب، بود لر از همین جا ناشی می‌شود.» (سید حسینی، ۱۳۸۱: ۴۰۸) محمود دولت‌آبادی مانند دیگر نویسندگان



ایرانی دست به آفریدن صحنه‌هایی زیبا و زشت از مسأله‌ی عشق و جنسیت می‌زند. زیباترین جلوه‌ی عشق در آثار دولت‌آبادی، رفتار متقابل «گل محمد» و «مارال» در رمان عظیم کلیدر است. در رمان سفر نیز این جلوه‌ی عشق به رفتار مرحب و خاتون مربوط می‌شود که مرحب در غیاب مختار شوهر خاتون که او را کشته می‌پندارند، بارها از خاتون کام می‌گیرد چنانکه در داستان آمده است: «مرحب خودش رازیر پل خیزاند و خاتون هم به طرف او کشیده شد. حالا اینکه خودش کشیده شد یا مرحب دستش را کشید، معلوم نیست. بعد خاتون خودش را توی بغل مرحب حس کرد و مرحب را توی بغل خودش حس کرد. هر دو به هم پیچیدند و مثل اینکه یکی شدند. خاتون تن خود را به او داده بود اما وقت بی وقت بود. با این همه مرحب او را خوب بوسید و بویید و خاتون در حظ و بیم تن خود را به دیواره‌ی پل داد و سرش را روی سینه‌ی مرحب گذاشت.» (دولت‌آبادی، ۶۲:۱۳۸۳)

### به تصویر کشیدن پلیدی، پریشانی، بی عدالتی و فلاکت موجود در جامعه

دیدگاه افراطی ناتورالیست‌ها که تلاش می‌کردند وقایع را بصورت رئالیستی به تصویر بکشند- در مقابل آنچه که آثار قبل از ایشان به صورت رمانتیک و ایده‌آلیستی وجود داشت- سبب می‌شد آن‌ها در آثار خود چیزی جز زشتی‌ها و فلاکت‌ها را نبینند و در نوشته‌هایشان جایی برای زیبایی‌های عشق و محبت وجود نداشته باشد، همین امر، کار را به جایی رساند که آن‌ها در انسان چیز دیگری جز زشتی و پستی را نبینند و جنبه‌ی متعالی روح او را نادیده بگیرند و در نتیجه نوعی وقاحت تحریک آمیز، انتقادی انقلابی و یا برداشتی بد بینانه از انسان در آثار ناتورالیست‌ها به وجود می‌آید. در داستان‌های نویسندگان ناتورالیستی چون صادق هدایت، چهره‌ی فقر به خوبی ترسیم نشده است، شاید به این دلیل که هدایت از طبقه‌ی مرفه‌تر خاسته بود و درد جماعت فقر زده‌ی اجتماع را به خوبی حس نمی‌کرد. صادق چوبک ناتورالیست هم آنچنان که باید و شاید در توصیف فقر در داستانهایش توفیقی به دست نیاورده است اما نویسندگانی چون محمود دولت‌آبادی توانسته چهره‌ی فقر و فلاکت را به خوبی در آثارش ترسیم نماید. در رمان سفر، فقر و فلاکت است که سر نوشتی محکوم را برای مختار (مرگ) و خانواده‌اش (روسپی‌گری و دربه



دری) رقم می‌زند: «فقر و بدبختی «هه» همین‌ه دیگه. جور هی ما آدما که جز و آدم حساب نمیشیم، هر کدومون به یه راهی فنا میشیم. مثل مگس یا مورچه. کسی هم نیست که برامون یه فاتحه بخونه! تف... تو میخوای زیارت کنی پاشو برو» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۵۹)

### نفی آزادی و طرد آن (جبرگرایی، جبر محیط و جبر اقتصادی)

ناتورالیست‌ها انسان و سرنوشت او را مقهور محیط و وراثت می‌دانستند و معتقد بودند که انسان در مسیر جبر تاریخی قرار گرفته است، مسیری که همه‌ی عوامل از جمله اجتماع، وراثت و تکامل زیست‌شناسی او را به سوی یک سرنوشت محتوم به پیش می‌راند. ناتورالیست‌ها آزادی را فقط برای اینکه یک احساس خود به خود درونی است، انکار می‌کردند. از لایه‌های درونی داستان‌های دولت‌آبادی بویژه رمان سفر می‌توان دریافت که او هم نویسندگانی مانند هدایت کاملاً جبريست و هیچ اعتقادی به مقوله‌ی آزادی و اختیار ندارد. چنانکه زیر بنای رمان سفر می‌تواند نوعی جبر محیط و جبر اقتصادی باشد که مختار را مجبور می‌سازد تا از اهل و عیال خویش دل بکند و برای تأمین هزینه‌های معاش خانواده اش به یک کشور بیگانه یعنی کویت عزیمت کند و همین امر نقطه‌های تاریک زندگی او شده و باعث مرگ وی و دربه دری خانواده اش و فروپاشی این بنیاد مستحکم می‌گردد. نویسنده در رمان سفر چنین می‌گوید: «مختار طلاق‌باز خوابیده بود و ساعدش را روی پیشانی اش گذاشته و خاموش و سنگین بود. مختار گفت: خیال می‌کنم برم کویت. خاتون گفت: کویت کجاست؟ مختار گفت: اون جام یه جاییه. -اون جا آهنگری زیاده؟ مختار گفت: آهنگری نه، اما کارای دیگه هست. میگن مزد خوبی به آدم میدن. خاتون گفت: تو از کجا می‌دونی؟ گفت: همه میگن. خاتون گفت: پس ماچی؟ مختار گفت: براتون پول میفرستم و دماغ نوکری کردن اینجارو ندارم و میرم بلکی یه مشت پول بیارم و براخوادم یه دکه وا کنم.» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۲)



### زبان محاوره

ناتورالیس‌ها معتقدند که جملات باید طبیعی و متناسب با شخصیت رمان یا بازیگر تئاتر انتخاب شود. آن‌ها از بکار بردن جمله‌های فهیم و مطمئن که بخصوص در تئاتر رواج داشتند انتقاد می‌کنند و در آثار خود مکالمه‌ی هر شخصی را از جملات و تعییراتی بر می‌گزینند که خود آن فرد بدان سخن می‌گوید به این ترتیب شخصیت‌های رمان می‌توانند با حرف زدن و ادای خاص جملات جلوهای از شخصیت خود را بطور غیر مستقیم به خواننده بشناساند. ناتورالیست‌ها زبان محاوره را از ابتدا در رمان و بعد در تئاتر وارد کردند این کاربرد خاص از زبان محاوره چندان مورد استقبال نویسندگان قرار گرفت که حتی پس از کم رنگ شدن زمینه‌های مکتب فوق روز به روز در بین آثار دیگر نویسندگان تقویت شد دولت‌آبادی در رمان سفر به تناوب از این مؤلفه‌ی بارز ناتورالیسم استفاده می‌کند. «مرحب در داستان سفر می‌گوید: چه خیال می‌کنی؟ باز بی خوابی زده به سرت؟ همینه دیگه. شباً راحت نم‌ خوابی اون وقت روزاسر دیگه و ایستادی و چرت می‌زنی. بالاخره شم می‌ترسم بیفتی اون تو و ذوب بشی. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۳۸)» «مرحب گفت: هوام کم کم داره گرما می‌کنه ها! علی گفت: راستی یه چیزی. خودت حالی ات هست که زیادی داری دور و بر این خونه هه می‌پلکی.» (همان: ۶۴)

### توصیف دقیق و شرح جزئیات حوادث

ناتورالیست‌ها سعی می‌کردند هر چیزی را بصورت جزء به جزء و مو به مو توصیف کنند به تبع گوستاو فلوبر، توصیف در آثار و کار ناتورالیست‌ها به صورت هنری خود کفا در می‌آید که محصول تحقیق دقیق برای گرد آوری اسناد و مدارک و توصیف جزئیات در هر گونه روایتی است. در رمان سفر دولت‌آبادی، خواننده معمولاً خود را با چنین شیوه‌های رو به رو می‌بیند: بعد از ذکر نام شخصیت‌ها، توصیف دقیق ظاهر و خلق و خوی (باطن) آن‌ها صورت می‌گیرد. نویسنده در شرح شخصیت استاد صفی (آهنگر) چنین می‌گوید: «استاد صفی، میانه مرد تکیده که پای چپش کمی لنگ می‌زد، بیرون در، بیخ جرز دیوار روی چارپایه کوتاهی نشسته بود.» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۳: ۷) یا در توصیف کامیون می‌گوید: «کامیونی که مرحب خودش را توی باربند آن جا داده بود، یکی



از چراغ‌های جلوش خراب و خاموش بود و تن‌ها از چراغ طرف چپش یک لوله نور بیرون می‌زد.» (همان: ۱۷) وقتی که مرحب به قهوه خانه می‌رود و با جوانکی به نام علی در آنجا آشنا می‌شود، نویسنده آن جوانک را اینگونه توصیف می‌کند: «مرحب جوانکی را کنج دیوار، روی جایش چمباتمه نشسته دید. لاغر و زرد رو بود و صورتی دراز داشت.» (همان: ۱۹) صناعات ادبی قوی که احساس دولت‌آبادی نیز به وضوح در آن‌ها دخیل شده و داده می‌شود و در پیشبرد توصیف‌ها و تصویرها بسیار مؤثرست و در جای جای داستان یاری دهنده‌ی آنهاست. چنانکه نویسنده در توصیف آفتاب می‌گوید: «آفتاب هنوز بود، اما کم کم داشت خودش را به بیخ دیوار می‌کشاند و دست و پایش را جمع می‌کرد تا از دیوار بالا برود و خودش را به آن طرف، به زمین صاف بیندازد. مثل این بود که دارد پاورچین پاورچین از خانه‌ی مختار می‌گریزد.» (همان: ۴۲) در متن فوق، نویسنده علاوه بر احساس خود از صناعات ادبی چون تشخیص و تشبیه نیز در جهت توصیف استفاده کرده است.

### برگزیدن شخصیت‌هایی در داستان‌ها که انگیزه‌های حیوانی مثل حرص، شهوت و خوی حیوانی در آن‌ها قوی‌تر باشد

نویسندگان ناتورالیست معمولاً سعی می‌کنند افرادی را بعنوان شخصیت داستان خود برگزینند که انگیزه‌های حیوانی مثل حرص و شهوت بر سایر جنبه‌های روحی و جسمی آن‌ها غلبه داشته باشد. در رمان سفر، شخصیت مرحب بعنوان یک شخصیت هر جایی که در هر زمانی سر از جایی در می‌آورد و انگیزه‌ی شهوت بر او غلبه می‌کند و با هر ترفندی شده خاتون همسر مختار رامقهور غریزه جنسی خود کرده و کام خود را از او می‌گیرد. چنانکه در داستان آمده است: «خاتون از پشت پنجره انتظار مرحب را می‌کشد. وقتی که مرحب را می‌بیند، در خانه راباز کرده و بی صدا مرحب رابه درون می‌کشاند و مرحب سرانجام کام خود را از خاتون می‌گیرد.» (دولت‌آبادی،

(۷۳:۱۳۸۳)





### غم انگیز (تراژیک) بودن پایان آثار ناتورالیستی

آثار ناتورالیستی معمولاً پایانی غم انگیز دارند: البته پایان غم انگیز این آثار با پایان غم انگیز تراژدی متفاوت است: زیرا بر خلاف تراژدی که قهرمان مقهور خدایان یا دشمنانی قوی می‌شود، در آثار ناتورالیستی، فرد تخت تأثیر جبر تاریخی و اجتماعی یا جبر محیط تجزیه و هلاک می‌گردد. رمان سفر دولت آبادی پایان غم انگیز دارد چنانکه خواننده تا مدت‌ها سردرگم در فکر جستن این دلایل تراژیک است. «مرگ مختار در رمان سفر که پس از آگاه شدن از اوضاع خانواده اش پس از سفرش به کویت رخ می‌دهد، پایانی وحشتناک و سوزناک را برای رمان به همراه دارد. مختار پس از دریافت سرنوشت محتوم خود یعنی نابسامانی کانون خانواده و بی بندوباری هوسریش، به زیر قطار می‌رود و بدنش قطعه قطعه می‌شود.» (دولت‌آبادی، ۱۳۸، ۱۳۸۳: ۱۴۰)

در پایان مبحث ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد بین صادق چوبک بعنوان بزرگترین نویسنده مکتب ناتورالیسم در ایران با محمود دولت‌آبادی بعنوان یک نویسنده داستان ناتورالیستی تفاوتی محسوس وجود دارد که منشأ آن را باید در تفاوت نوع جهان بینی آن‌ها جستجو کرد. صادق چوبک با پذیرش بیانیه‌ی ادبی ناتورالیسم و اعتقاد به تأثیر تعیین کننده‌ی عوامل ژنتیکی و شرایط محیطی و زندگی در سرنوشت بشر، داستان می‌نویسد ولی دولت‌آبادی فقط نویسندگی ناتورالیست است و بدون پذیرش بیانیه‌ی ادبی به خلق داستان می‌پردازد و در این رابطه به داستان پردازی ب‌های بیشتری می‌دهد و ب آنکه می‌کوشد نویسندگی رنالیست باشد ولی گاهی خواه یا ناخواه داستان‌هایش را به شکل ناتورالیستی عرضه می‌کند و در حقیقت شکل و فضای داستان‌ها به داستان‌های دولت‌آبادی جنبه‌ی ناتورالیستی می‌بخشد.

### نتیجه‌گیری

از دقت در این مقاله می‌توان به نتایج زیر دست یافت. ۱- رمان سفر یکی از رمان‌های دولت‌آبادی است که در آن فضای جامعه‌ی روستایی را ترسیم می‌کند و تقابل‌هایی از مدرنیته و سنت را پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد چنانکه با ورود ابزار آلات مدرن پیشه‌های سنتی چون آهنگری کم کم



از فضای جامعه می‌گیرند و موجبات سرگردانی و بی‌کاری افرادی چون شخصیت مختار را فراهم می‌کنند.

۲- دولت‌آبادی در این رمان با تأثیر پذیری مستقیم از آرای امیل زولا و صادق چوبک، فضای مه‌آلودی از جامعه‌ی سنتی را ترسیم می‌کند: فضایی که تمام شخصیت‌های آن زیر فشارهای محیط پیرامون خود خرد می‌شوند و رفته رفته شباهتشان با انسان را از دست می‌دهند، جایی سرنوشت بد و بخت ناسازگار تمامی آن‌ها رابه نابودی می‌کشاند.

۳- هرچند سبک نویسندگی دولت‌آبادی در رمان سفر، رئالیسم انتقادی می‌باشد ولی او توانسته با قریحه‌ی بالای خود جنبه‌های ناتورالیسم را با توصیف دقیق جزئیات، گرایش شخصیت‌های داستان از جمله مرحب به رفتارهای بیمارگونه‌ی جنسی در اشکال مسنوخ آن، آشفتگی‌های ذهنی و پریشان حالی شخصیت بی‌بی که در اثر شیطنت‌های خاور عصبی شده و حاضرست در غیاب مختار، خاتون رابه دست هرناهملی بسپارد تا زندگیشان دوباره رونق بگیرد، فحش‌وایی بندوباری‌های خاتون که همواره چشم مردان زیادی از جمله مرحب رابه خود خیره کرده، به بازی گرفتن ارزش واقعی آدمی و تکیه بر زمینه‌های منفی و بدبینی‌های قراردادی که با مرگ مختار بدان شکل فجیع جلوهرگر می‌شود، در لابه لای رمان بگنجانند.

### پی‌نوشت‌ها

۱- نگارنده در نگارش ناتورالیسم و آثار آن از مکتب‌های ادبی، جلد دوم، صفحات ۴۰۷ تا ۴۱۰ بهره گرفته است.

### منابع و مآخذ

- تروایا، هانری، (۱۳۷۷)، زولا، ترجمه‌ی نادعلی همدانی، تهران: نشر البرز، چاپ اول.
- دستغیب، عبدالعلی، (۱۳۷۸)، نقد آثار محمود دولت‌آبادی، تهران، انتشارات ایما، چاپ اول.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۸۴): ادبار و آینه، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۸۳): سفر، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول.



- سید حسینی، رضا (۱۳۸۱): مکتب‌های ادبی، تهران: انتشارات نگاه، جلد دوم، چاپ یازدهم (چاپ اول تحریر جدید).
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴): مکتب‌های ادبی، تهران: نشر قطره، چاپ هفتم.
- فورست، لیلیان و اسکرین پیتز (۱۳۷۶): ناتورالیسم: ترجمه‌ی حسن افشار، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- قربانی، محمدرضا (۱۳۷۳): نقد و تفسیر آثار محمود دولت‌آبادی، تهران: نشر آروین، چاپ اول.
- کوندرا، میلان (۱۳۷۲): هنر رمان: ترجمه پرویز همایون پور، تهران: نشر سروش، چاپ سوم.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۲۹): داستان نویسی‌های نام‌آوران ایران، تهران: نشر اشاره چاپ اول.
- میرعابدینی، رضا (۱۳۸۳): صدسال داستان نویسی در ایران، جلد اول و دوم، تهران: نشر چشمه چاپ سوم.